

Investigating the Effect of Interaction of Job Type, Gender and Apparent Attractiveness of Auditors on Judging and Understanding Immoral Behaviors

Mojgan Mohammadi Yazdi¹, Forough Heyrani*²

Received: 2021/11/30
Accepted: 2022/02/18

Research Paper

Abstract

Ethical judgment is a fundamental factor in the moral decision-making process and precedes moral intent and behavior. In other words, the ability to recognize and evaluate complex ethical situations when making decisions is a prerequisite for ethical behavior. In ethical research, the effect of gender on moral judgment has been studied more than other variables. Therefore, the main purpose of the present study is to investigate the effect of variables of work type, gender and apparent attractiveness of auditors on judging and understanding immoral behaviors. The study population are accountants and non-accountants working in organizations and companies. Due to the lack of accurate access to the statistics of the community, Cochran's formula is used to determine the sample and finally 384 people are selected. The results show that men are more likely to judge illegal acts than women. On the other hand, gender has not had a significant effect on judging immoral behaviors. Also, as the level of attractiveness increases, the rate of judging illegal acts decreases.

Keywords: Auditors' Immoral Behavior, Physical Attractiveness, Gender, Judging Immoral Behavior.

JEL Classification: M4, M42, H83

1. PhD Student, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran
(Mohammadiyazdi603@gmail.com)

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (Corresponding author)
(Heyrani@iauyazd.ac.ir)



بررسی تأثیر تعاملات نوع کار، جنسیت و جذابیت ظاهری حساب‌برسان بر قضاوت و درک رفتارهای غیراخلاقی

مژگان محمدی یزدی^۱، فروغ حیرانی^۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹

چکیده

قضاوت اخلاقی عامل اساسی در فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی است و مقدم بر قصد و رفتار اخلاقی است. به بیان دیگر، توانایی تشخیص و ارزیابی موقعیت‌های پیچیده اخلاقی در زمان تصمیم‌گیری، پیش‌نیاز رفتار اخلاقی است. در پژوهش‌های حوزه اخلاق، تأثیر جنسیت بر قضاوت اخلاقی، بیش از سایر متغیرها مطالعه شده است. از این‌رو هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی تأثیر متغیرهای تعاملات نوع کار، جنسیت و جذابیت ظاهری حساب‌برسان بر قضاوت و درک رفتارهای غیراخلاقی می‌باشد. جامعه بررسی شده، حسابداران و افراد غیرحسابدار شاغل در سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی هستند که باتوجه به دسترسی نداشتن به آمار دقیق جامعه مذکور، از فرمول کوکران به تعیین نمونه اقدام گردید و در نهایت تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قضاوت کارهای غیرقانونی در مردان بیشتر از زنان بوده است. از طرفی جنسیت در قضاوت رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری نداشته است. همچنین با افزایش سطح جذابیت، میزان قضاوت کارهای غیرقانونی کاهش می‌یابد. از طرفی جنسیت در درک کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری داشته است.

واژگان کلیدی: رفتار غیراخلاقی حساب‌برسان، جذابیت ظاهری، جنسیت، قضاوت رفتار غیراخلاقی.

طبقه‌بندی موضوعی: M4، M42، H83.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (Mohammadiyazdi603@gmail.com)

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول) (Heyrani@iauyazd.ac.ir)

مقدمه

تصمیم‌گیری افراد بر پایه اطلاعات در دسترس، فرایندهای پیچیده استدلالی و قضاوت فردی تحت تأثیر عوامل گوناگون درونی و بیرونی صورت می‌گیرد. تصمیم‌گیری حرفه‌ای نتیجه قضاوت حسابرسی درباره موضوعی معین و باتوجه به شواهد و استدلال‌های منطقی است. جنسیت یکی از ویژگی‌های درونی است که ممکن است قضاوت افراد و در نتیجه تصمیم‌های حرفه‌ای آنان را تحت تأثیر قرار دهد (شودینر و کلاین^۱، ۲۰۲۰). فرایند قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی داخلی تفاوت‌های مهمی با قضاوت در حسابرسی مستقل دارد. به‌طور سنتی، حسابرسان مستقل درباره ارائه منصفانه صورت‌های مالی مطابق با اصول پذیرفته شده حسابداری اظهارنظر می‌کنند. از طرفی نیز یافته‌های دانشمندان علوم رفتاری نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های فراوانی میان مردان و زنان در انجام قضاوت‌های شناختی است. به صورت نظریه‌ای پذیرفته شده، به دلیل تفاوت سازوکار پردازش داده‌ها و روش‌های پاسخ به ریسک، قضاوت زنان و مردان پیرامون مسئله‌ای یکسان ممکن است تفاوت‌های چشم‌گیری داشته باشد. همچنین تحقیقات نشان می‌دهند که مردها نسبت به زنان خودرأی‌تر هستند؛ زیرا اعتماد به نفس و اعتقاد به باورهای درونی‌شان نسبت به زنان بیشتر است (نظامی و همکاران، ۱۳۹۹).

حسابدار موظف به کنترل و نظارت بر شرکت و مدیران آن است ولی برای رفتار غیراخلاقی حسابرسان تعداد ناچیزی روش نظارتی وجود دارد. برخلاف سایر مشاغل مثل کارکنان بانک، کنترل اولیه بر حسابرس‌ها از نوع خودکنترلی و کسب شهرت محسوب می‌شود. بنابراین تأکید بر جزئیات ویژگی‌های این اطمینان‌ناداشتن عمومی مهم است و به رفتار غیراخلاقی حسابدار ارتباط دارد که بین نقض هنجارهای محل کار و نیز رفتارهای غیرقانونی تمایز ایجاد می‌کند. اگرچه وضعیت شغلی اصولاً نباید در روند قضاوت اخلاقی تأثیرگذار باشد؛ ولی نشان می‌دهد که با همین رفتار غیراخلاقی در صورتی که مرتکب آن یک حسابدار باشد با شدت بیشتری برخورد خواهد شد. همچنین، ارزیابی رفتار نیز ممکن است بسیار کم مدنظر قرار گیرد ولی تقریباً تحت تأثیر عوامل خارجی است. در این میان جنسیت و ویژگی‌های ظاهری افراد نقش مداخله‌کننده دارند. با این توضیحات به نظر می‌رسد که ضرورت تحقیق در حوزه مسائلی همچون جنسیت و جذابیت حسابرسان و قضاوت‌هایی که از رفتارهای غیراخلاقی آن‌ها می‌شود اجتناب‌ناپذیر است (باؤ و لو^۲، ۲۰۱۹).

رفتار حسابداران هم در معرض قضاوت‌های اخلاقی غیررسمی و هم قانون و مقررات است. در این حرفه ناشایستگی‌هایی وجود داشته است که به آن پاسخ‌های عمومی-سیاسی داده شده است. حوزه خاکستری اخلاقیات و هنجارها، عینیت در ارزشیابی و تفسیر رفتارهای حسابداران را میسر می‌نماید. قضاوت‌های دیگران نیز اغلب تحت تأثیر ظاهر فیزیکی افراد است. جذابیت قادر است از اثر جنسیت بکاهد. یعنی وقتی مرد یا زن جذاب باشد، با همان رفتار جور دیگری ارزیابی می‌شود. بنابراین اخلاق فردی و حرفه‌ای، نقش مهمی در اثربخشی روابط و بهبود نتایج کار گروهی دارد. به دلیل رسوایی‌های مالی متعدد، در سال‌های اخیر بر مسئله اخلاق در حسابداری تأکید فراوان شده است. اشتباه‌ها و لغزش‌های اخلاقی که در برخی از حسابرسان مشاهده شده است، علت بسیاری از شکست‌های حسابرسی بوده و این شکست‌ها از همان روزهای اولیه تولد حرفه حسابرسی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. حال آن‌که تمامی شکست‌های حسابرسی، به رفتارهای غیراخلاقی همه حسابرسان بر نمی‌گردد و بسیاری از آن‌ها به رفتارهای غیراخلاقی یا حداقل غیرحرفه‌ای برخی از حسابرسان مربوط می‌شود.

1. Shtudiner & Klein

2. Bao & Lu

پژوهش‌های اخیر پیرامون حسابداری به‌طور عام، بیشتر متغیرهای کلانی مانند اندازه مؤسسه‌های حسابداری، اندازه سازمان‌ها، حق الزحمه حسابداری و عوامل دیگر را بر کیفیت و قضاوت حسابرسان بررسی کرده‌اند؛ اما در حقیقت، بخش بزرگی از حسابداری، مبنی بر قضاوت حرفه‌ای است و این ویژگی‌های شخصیت حسابرسان است که می‌بایست به صورت دقیق‌تری بررسی گردد تا بتوان پیرامون کیفیت حسابداری مطالعات دقیق‌تری انجام داد (زالاتا و همکاران^۱، ۲۰۱۹). در مطالعات اولیه، شواهدی برای رابطه بین جذابیت فردی حسابرس و موفقیت در انتخابات ارائه نمودند. قضاوت اخلاقی عامل اساسی در فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی است و مقدم بر قصد و رفتار اخلاقی است. به بیان دیگر، توانایی تشخیص و ارزیابی موقعیت‌های پیچیده اخلاقی در زمان تصمیم‌گیری، پیش‌نیاز رفتار اخلاقی است. در پژوهش‌های حوزه اخلاق، تأثیر جنسیت بر قضاوت اخلاقی، بیش از سایر متغیرها مطالعه شده است. از این‌رو تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که متغیرهای تعاملات نوع کار، جنسیت و جذابیت ظاهری حسابرسان چگونه می‌تواند بر قضاوت و درک رفتارهای غیراخلاقی آن‌ها تأثیرگذار باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

قضاوت کارهای غیرقانونی و رفتارهای غیر اخلاقی

رشد اخلاقی در برگیرنده آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان‌ها در رابطه با یکدیگر چگونه باید رفتار کنند. از نظر روان‌شناسان این قوانین مشتمل بر سه جنبه اساسی شناختی، عاطفی و رفتاری هستند که تبیین آن‌ها و چگونگی روابطشان با یکدیگر و تأثیری که در فرایند درونی‌سازی دارند، محور بحث‌های روان‌شناختی است؛ همچنین معمولاً مراد از قوانین اخلاقی قضاوت درباره اعمال جامعه‌پسند است. آن هم هنگامی که یک قانون و قاعده رسمی وجود ندارد. با این حال شخص باید بین کمک به دیگران و حفظ منافع شخصی یکی را انتخاب کند (بی‌ریا، ۱۳۸۵). رشد اخلاقی دارای سه جنبه است و هنگام مطالعه و تحقیق پیرامون فرایند رشد اخلاقی، در هر یک از دیدگاه‌های رشد اخلاقی، به جنبه خاصی از آن توجه می‌شود. تئورهای شناختی (همانند تئوری پیاژه^۲ و کولبرگ^۳) بیشتر بر قضاوت‌های اخلاقی و جنبه‌های شناختی اخلاق تمرکز دارند. تئوری‌های تحلیل روانی به مطالعه اجزای عاطفی (به‌ویژه عناصری همانند احساس گناه و اضطراب) پرداخته‌اند و تئوری‌های یادگیری نیز تمرکزشان بر بعد رفتاری اخلاق بوده است (فرضی‌گلفرانی و محمداسماعیل، ۱۳۸۲).

اخلاق حرفه‌ای یکی از مسائل اساسی همه جوامع بشری است هر جامعه‌ای نیازمند آن است تا ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای مانند دل‌بستگی به کار، روحیه مشارکت و اعتماد، ایجاد تعامل با یکدیگر و غیره تعریف و برای تحقق آن فرهنگ‌سازی کنند (سعیدی‌گراغانی و همکاران، ۱۳۹۶). امروزه بسیاری از کشورها به این بلوغ فکری رسیده‌اند که بی‌اعتنایی به مسائل اخلاقی و فرار از مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی به از بین رفتن مؤسسه و سازمان می‌انجامد؛ به همین دلیل بسیاری از مؤسسه‌ها و سازمان‌های موفق، برای تدوین استراتژی اخلاقی احساس نیاز کرده و به این باور رسیده‌اند که باید در سازمان یک فرهنگ مبتنی بر اخلاق رسوخ کند، از این‌رو کوشیده‌اند به تحقیقات درباره اخلاق حرفه‌ای جایگاه ویژه‌ای بدهند؛ لذا یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمامی حرفه‌هاست تا آن‌ها با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسائل

1. Zalata et al.

2. Piaget

3. Kohlberg

جامعه و حرفه خود بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند (محسنی و همکاران، ۱۳۹۶). اصول اخلاق شایسته و کارا از پیش‌شرط‌های مدیریت استراتژیک کاراست و این اصول موجب به وجود آمدن یک مؤسسه یا سازمان کارا می‌شود. پس با این اوصاف اگر در یک حرفه، اخلاق حرفه‌ای باشد، پیشرفت می‌کند وگرنه باید منتظر نابودی آن رشته بود (برزیده و همکاران، ۱۳۹۷).

معادل اخلاق حرفه‌ای، اخلاق کاری می‌باشد. اخلاق کاری، متعهد شدن انرژی ذهنی و روانی و فیزیکی فرد یا گروه به ایده جمعی است در جهت اخذ قوا و استعداد درونی گروه و فرد برای توسعه به هر نحو. اخلاق حرفه‌ای یکی از ابعاد جدید اخلاق است که می‌کوشد به مسائل اخلاقی حرفه‌های گوناگون پاسخ داده و برای آن اصولی خاص متصور است. اخلاق حرفه‌ای به مسائل و پرسش‌های اخلاقی و اصول و ارزش‌های اخلاقی یک نظام حرفه‌ای می‌پردازد و ناظر بر اخلاق در محیط حرفه‌ای است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۶). مقصود از اخلاق حرفه‌ای مجموعه قواعدی است که باید افراد داوطلبانه و براساس ندای وجود و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای رعایت کنند، بدون آن که الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف، به مجازات‌های قانونی دچار شوند (الشائر و زمان، ۲۰۱۶).

جنسیت

جنسیت به مجموعه وسیعی از انتظارات و هنجارهای مشترک اشاره می‌کند که به رفتار مردان و زنان، دختران و پسران مربوط می‌شود و طیفی از ویژگی‌ها و تمایزهای بین مردانگی و زنانگی را در بر می‌گیرد. بسته به بستر، این ویژگی‌ها می‌توانند شامل نژاد مانند وضعیت مرد، زن یا بیناجنس بودن، ساختار اجتماعی مبتنی بر جنسیت (مانند نقش جنسیتی) یا هویت جنسیتی باشد. در برخی از متون انگلیسی جنس (زیست‌شناسی)، جنسیت روان‌شناختی و جنسیت اجتماعی یک سه‌گانه را می‌سازند. این چارچوب برای اولین بار در سال ۱۹۷۸ در یک مقاله فمینیستی پیرامون تراجنسی‌گرایی شکل گرفت (جلالی، ۱۳۸۴). «جنس» و «جنسیت» از واژه‌هایی هستند که به‌ویژه در مباحث زنان، بسیار از آن‌ها استفاده می‌شود. قرابت لفظی این دو در زبان فارسی، موجب شده است که در گفت‌وگوهای عمومی، به اشتباه، به جای یکدیگر به کار روند. این درحالی است که این دو واژه، نزد کارشناسان امور زنان، معانی کاملاً متفاوتی دارند. به اعتقاد اونگر، واژه «جنس» باید به ابعاد بیولوژیکی مردانگی و زنانگی فرد محدود شود و «جنسیت» به صفات و ویژگی‌های اجتماعی دو جنس اطلاق گردد. به بیان دیگر، واژه «جنسیت» به اجزای غیرفیزیولوژیکی جنس اشاره دارد که از نظر فرهنگی، برای مردان یا زنان مناسب تشخیص داده می‌شود. جنسیت در واقع، مجموعه انتظاراتی است از مرد و زن نوعی که در موقعیتی معین، چه باید بکند. به گفته استفانی گرت، جامعه‌شناسان تمایز مهمی میان جنس و جنسیت قائلند. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیکی میان زن و مرد دلالت دارد، حال آن‌که جنسیت، ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه، آن‌ها را تعیین می‌کند. تفاوت‌های بین زن و مرد به دو عامل جنس و جنسیت مربوط است. جنسیت یک باور و تعریف اجتماعی از امور زنانه و مردانه است که می‌تواند طی زمان تحول یابد. عامل جنس را معمولاً اساس یک طبقه‌بندی دوگانه در نظر می‌گیرند که تعیین می‌کند یک فرد زن یا مرد است؛ البته چنین طبقه‌بندی بر عامل ژنتیکی جنس و نه عامل هورمونی تأکید دارد؛ زیرا می‌توان اثبات کرد که بخشی از رفتارهای فردی در قالب تفاوت‌های هورمونی زن و مرد قابل تعریف است (نیکبخت و همکاران، ۱۳۹۶).

جذابیت ظاهری

ارتقای زیبایی در دو بعد جسمانی و روانی انجام می‌شود. عزت نفس عبارت است از مقدار ارزشی که ما به خود نسبت می‌دهیم و این میزان ارزشی است که ما فکر می‌کنیم دیگران برای ما به عنوان یک شخص قائل هستند. بررسی تأثیر جذابیت ظاهر بر قضاوت دیگران می‌تواند با مسائل زیر در ارتباط باشد:

۱. سلامت جسمانی و روانی خوب و مقاومت در برابر عوارض فشار روانی؛
۲. رضایت از شغل و زندگی فرد و آرامش روانی؛
۳. زیبایی نماد خیر اخلاقی است و تنها چنین است که لذت بخشی همانند ذهن، از گونه‌ای فرزاندگی و بالندگی آگاه می‌گردد که ماورای احساس لذت صرف حاصل از حواس است؛
۴. کانت با نقد قوه قضاوت و داوری در واقع نخستین فیلسوفی است که قضاوت هیئت داوری‌های زیباشناختی را هم‌سنگ و هم‌ارز قضاوت‌های اخلاقی می‌داند؛ ولی از زیباشناسی به معنای قدیم آن یعنی علم مربوط به حواس، نام می‌برد نه علم مربوط به زیبایی؛
۵. فعالیت‌هایی که احتمال کارکرد مؤثر را افزایش می‌دهد مثل برنامه‌ریزی، شرکت در بحث‌ها، همکاری با دیگران و سؤال کردن در مورد چیزهای مورد نظر؛
۶. پایداری و مقاومت بسیار در برابر کوشش‌های متقاعدسازی و فشارهای هم‌رنگی احتمالاً به خاطر اشتیاق آن‌ها به تضاد داشتن با دیگران.

خلاصه اینکه افرادی که چهره زیباتری دارند به خاطر توجه دیگران به آن‌ها، دارای اعتماد به نفس بالاتری هستند و همان‌طور که نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد قضاوت مردم نسبت به افراد زیبا مثبت‌تر است؛ به همین خاطر احتمالاً این‌گونه افراد موفق‌تر در کار و زندگی به نظر می‌رسند (هاسلام، ۲۰۰۹). امروزه جذابیت ظاهری نقش مهمی در زندگی ما انسان‌ها ایفا می‌کند، ظاهر ما تأثیر زیادی در روابط اجتماعی‌مان دارد و اولین معرف ما می‌باشد، در واقع چهره و نوع لباس حاوی نکات زیادی درباره افراد مختلف است (قویدل و همکاران، ۱۳۸۹).

جنسیت و جذابیت در رفتار غیر اخلاقی

یافته‌های دانشمندان علوم رفتاری نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های بسیار مردان و زنان در انجام قضاوت‌های شناختی است. به صورت نظریه‌ای پذیرفته شده، به دلیل تفاوت سازوکار پردازش داده‌ها و روش‌های پاسخ به ریسک، قضاوت زنان و مردان پیرامون مسئله‌ای یکسان ممکن است تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. همچنین تحقیقات نشان می‌دهند که مردها نسبت به زنان خودرأی‌تر هستند؛ زیرا اعتماد به نفس و اعتقاد به باورهای درونی‌شان نسبت به زنان بیشتر است (نظامی و همکاران، ۱۳۹۹). گارسیا و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که حسابرسان زن در حسابرسی به‌طور عمومی از مردان ریسک‌گریزتر هستند؛ بنابراین، در حسابرسی شواهد بیشتری جمع‌آوری خواهند کرد و متعاقب آن سطح اهمیت را نیز کاهش می‌دهند که این امر منجر به افزایش کیفیت حسابرسی‌ای خواهد شد که زنان انجام می‌دهند؛ در نتیجه انتظار می‌رود تا جنسیت حسابرسان از محل تفاوت دیدگاه‌ها در ارزیابی خطرپذیری منجر به قضاوت حرفه‌ای متفاوت در شرایط یکسان شود. بر طبق تئوری نقش اجتماعی، مردها اغلب ویژگی‌های عاملی دارند که شامل کنترل‌گری، رفتارهای مثبت‌تر و اعتماد به نفس است. از

1. Haslam

2. Garcia et al.

سوی دیگر، زنان ویژگی‌های اجتماعی بیشتری دارند که به پرورش کودک، مهربانی و نجابت مربوط است؛ بنابراین، احتمال این‌که زنان هنجارهای اجتماعی را نقض کنند کمتر از مردان است. همچنین، نیاز به سازگاری و تطبیق با یک نقش اجتماعی نیز تحت تأثیر این موضوع است که چگونه دیگران همان رفتار را قضاوت می‌کنند.

در پژوهشی که باثو و لو (۲۰۱۹)، انجام دادند مشخص شد عواملی که بر تصمیم‌گیری زنان تأثیر دارد از صلاحیت کمتری نسبت به مردان برخوردار است و آن‌ها عملکرد زنان را در مقایسه با هم‌تایان مردشان با صلاحیت کمتری رتبه‌بندی کردند؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه فرض کرد که اگر زنان هنجارهای اجتماعی را نقض کنند برای آن‌ها اغماض کمتری در نظر گرفته می‌شود. همچنین فرض شد که جنسیت و جذابیت ظاهری به طرق مختلف بر درک رفتار غیراخلاقی حسابداری تأثیرگذار خواهد بود. حسابداری در نظر عموم، یک حرفهٔ مردانه محسوب می‌شود. جذابیت ظاهری حسابرس بر قضاوت‌های مربوط به رفتار اخلاقی تأثیر می‌گذارد. با استفاده از سیستم انتخابات آلمان، در پژوهشی راش و همکارانش نشان دادند که انتخابات حکومت ائتلافی در مقایسه با بازنمایی‌های نسبی، جذابیت ظاهری حسابرس به عامل موفقیت در انتخابات تبدیل شده است. آن‌ها همچنین دریافتند که سیاست‌مدارانی که ظاهر جذابی دارند در مقایسه با هم‌تایان خود که ظاهر معمولی و جذابیت کمتری دارند بیشتر به خود اجازه می‌دهند که با حزب خود اختلاف عقیده داشته و برخلاف آن‌ها رأی دهند.

در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه اشاره می‌شود. رافل و شرمین^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «نقش اخلاق در تصمیم‌گیری در سازمان‌های دولتی و خصوصی» آورده‌اند: اخلاق یک حوزهٔ نسبتاً جدید است که اخیراً توجه بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. نتایج تأکید می‌کنند که یک نظریهٔ اخلاقی باید بتواند چیزی راجع به آنچه باید و نباید انجام داده شود را گوشزد کنند. همچنین به کارگیری نظریهٔ فضیلت، همان‌طور که به شخصیت و نه به عمل مربوط می‌شود، در محیط کاری اشتباه است چرا که فضیلت می‌تواند با خود سؤالاتی راجع به درست یا نادرست بودن یک وظیفهٔ شغلی به همراه آورد که این مطلب را نگران‌کننده کند. جوجاروی و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی به نام «تصمیم‌گیری اخلاقی رفاه اجتماعی کارگران خدماتی: دیدگاه مراقبت اخلاقی و عدالت» آورده‌اند: استدلال می‌شود که علاوه بر عدالت، مراقبت اخلاقی برای اخلاق کار اجتماعی نیز ضروری است و برای رسیدن به چالش‌های معاصر مدیریت عمومی جدید در خدمات عمومی باید این رویکردها آمیخته شود. در تصمیم‌گیری اخلاقی، شرکت‌کنندگان عمدتاً از استدلال مبتنی بر عدالت استفاده می‌کردند که ملاحظات مراقبت را تکمیل می‌کرد. معضلات مربوط به نیازهای مشتری که عمدتاً مشاوران اجتماعی گزارش می‌کنند، استدلال متمرکز را تحت تأثیر قرار داده است، در حالی که معضلات مربوط به اعمال قوانین و خود قوانین، بارزترین نمونهٔ مشکلات برای مددکاران اجتماعی است.

گانز و ثورن^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر فناوری بر اخلاق، حرفه‌ای بودن و قضاوت در حسابداری» بیان داشتند: مقالات مطالعه‌شده نشان می‌دهند که افراد هنگام استفاده از فناوری واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند و اخلاق تصمیم‌گیری آن‌ها در صورت عدم تعامل اجتماعی تحت فشار قرار می‌گیرد. با توجه به این یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود در هنگام طراحی فناوری‌های مورد نظر، اصول اخلاق حرفه‌ای لحاظ گردد. شودینر و کلاین (۲۰۲۰): جنسیت و جذابیت به عنوان عوامل تأثیرگذار بر استخدام، دستمزد و خط مشی‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج

1. Ruffle & Sherman

2. Juujärvi

3. Gunz & Thorne

حاکمی از تسالم زیبایی و برابری در مقابل قانون است. برای نتایج خود بر مبنای فرضیات حسابداری-تصور قالبی توضیحاتی ارائه شده است.

در پژوهشی که بائو و لو (۲۰۱۹)، انجام دادند مشخص شد عواملی که بر تصمیم‌گیری زنان تأثیر دارد از صلاحیت کمتری نسبت به مردان برخوردار است و آن‌ها عملکرد زنان را در مقایسه با هم‌تایان مردشان با صلاحیت کمتری رتبه‌بندی کردند؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه فرض کرد که اگر زنان هنجارهای اجتماعی را نقض کنند برای آن‌ها اغماض کمتری در نظر گرفته می‌شود؛ همچنین فرض شد که جنسیت و جذابیت ظاهری به طرق مختلف بر درک رفتار غیراخلاقی حسابداری تأثیرگذار خواهد بود. زالاتا و همکاران (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان «تأثیر تخصص مالی و تنوع جنسیت بر مدیریت سود» ارائه نمودند. با استفاده از تکنیک‌های رگرسیونی نشان دادند که مدیران زن، مدیریت سود کمتری انجام می‌دهند و کیفیت سود بهتری را ارائه می‌کنند و همچنین تخصص هیئت‌مدیره سبب بهبود مدیریت سود و افزایش کیفیت سود می‌شود. اونز و همکاران^۱ (۲۰۱۸)، پژوهشی با عنوان «ارزیابی تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره و عملکرد مالی بانک‌ها» ارائه نمودند. این پژوهش نشان می‌دهد که تنوع جنسیتی با عملکرد مالی بانک، رابطه غیرخطی دارد. به‌طور کلی تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره و حضور زنان سبب افزایش عملکرد مالی بانک‌ها شده است. همچنین عوامل زیادی بر این رابطه غیرخطی تأثیرگذار است. خلیف و آچک^۲ (۲۰۱۷)، در بررسی تحقیقات مربوط به جنسیت در حسابداری دریافتند که زنان در مقایسه با مردان از قضاوت‌های محافظه‌کارانه بیشتری برخوردار هستند. آن‌ها نشان دادند رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری، افشای اجتماعی و زیست محیطی و همچنین سیاست‌های محافظه‌کارانه مالیاتی در زنان بیشتر از مردان است.

سانچز و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در بررسی تأثیر تخصص مالی هیئت‌مدیره و تنوع جنسیتی اعضا بر کیفیت حسابداری نتیجه گرفتند که هم تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره و هم حضور اعضای زن در هیئت‌مدیره تأثیر مثبتی بر بهبود کیفیت حسابداری می‌گذارند؛ بدین معنی که تخصص مالی هیئت‌مدیره و تنوع جنسیتی باعث بهبود محافظه‌کاری حسابداری و بهبود کیفیت دارایی‌های شرکت‌ها می‌گردد. گلد و همکاران (۲۰۰۹)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که حسابرسان زن در حسابرسی به‌طور عمومی نسبت به مردان از خطر‌گریزان‌تر هستند؛ بنابراین، در حسابرسی شواهد بیشتری جمع‌آوری خواهند کرد و متعاقب آن سطح اهمیت را نیز کاهش می‌دهند که این امر منجر به افزایش کیفیت حسابرسی‌ای خواهد شد که زنان انجام می‌دهند؛ در نتیجه انتظار می‌رود تا جنسیت حسابرسان از محل تفاوت دیدگاه‌ها در ارزیابی خطرپذیری منجر به قضاوت حرفه‌ای متفاوت در شرایط یکسان شود. بر طبق تئوری نقش اجتماعی، مردها اغلب ویژگی‌های عاملی دارند که شامل کنترل‌گری، رفتارهای مثبت‌تر و اعتماد به نفس است. از سوی دیگر، زنان ویژگی‌های اجتماعی بیشتری دارند که به پرورش کودک، مهربانی و نجابت مربوط است.

عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان «نقش تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان بر افشای اسرار مالی و غیرمالی» ارائه نمودند. نتایج حاکی از آن است که بین آگاهی اخلاقی با قضاوت حرفه‌ای و احساسات رابطه مثبت معنادار وجود دارد. افزون بر این، نتایج حاصل از آزمون دیگر فرضیه‌ها نشان داد، بین احساسات و قضاوت حرفه‌ای رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ همچنین بین قضاوت حرفه‌ای و افشای اسرار رابطه مثبت معنادار مشاهده شده است.

1. Owens et al.

2. Khalif & Achk

3. Sanchez et al.

قاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان «تأثیر جنسیت، تحصیلات و ذهنیت توطئه بر تردید حرفه‌ای حسابرس: آزمونی از نظریه نگرش» ارائه نمودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه‌ای معنی‌دار و منفی بین جنسیت با ذهنیت توطئه و رابطه‌ای معنی‌دار و مثبت، میان سطح تحصیلات با ذهنیت توطئه وجود دارد؛ همچنین نتایج بیانگر آن است که ذهنیت توطئه ارتباط معنی‌دار و مثبتی با تردید حرفه‌ای دارد. نظامی و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان «بررسی اثر ویژگی‌های شخصیتی (وجدان و توافق‌پذیری)، احساسات-تفکر و ریسک‌پذیری بر قضاوت حسابرس با توجه به نقش میانجی خودکارآمدی» ارائه نمودند. یافته‌های پژوهش نشان داد توافق‌پذیری رویکردی موجب کاهش و توافق‌پذیری اجتنابی موجب بهبود کیفیت قضاوت حسابرسان می‌گردد؛ همچنین نتایج نشان داد حسابرسان با تیپ شخصیتی متفکر در مقابل احساسی، قضاوت حرفه‌ای‌تری دارند.

حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر قضاوت حرفه‌ای (اخلاقی) حسابرسان و فشارهای وارد شده بر آن‌ها ارائه نمودند. نتایج یافته‌ها نشان داد که اندازه مؤسسه و تجربه حسابرس با فشارهای وارد شده بر حسابرسان رابطه معکوس و با قضاوت حرفه‌ای آن‌ها، رابطه مستقیم و معناداری دارد. احمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «اثرناپذیری تصمیم‌های اخلاقی از دلیل‌های منطقی» آورده است: آزمون دقیق فیشر، تحلیل رگرسیون لجیستیک و تحلیل واریانس نشان داد که تعداد بسیار کمی از آزمودنی‌ها پس از بررسی دلیل‌ها تصمیم نخستین خود را تغییر دادند. تصمیم نخستین، بخش بزرگی از واریانس تصمیم پایانی را تبیین کرد و آزمودنی‌ها دلیل‌های موافق تصمیم نخستین خود را بهتر از دلیل‌های مخالف آن ارزیابی کردند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که دلیل‌های منطقی کمکی به تغییر تصمیم‌های اخلاقی مردم نمی‌کنند. فرج‌زاده دهکردی (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان «رابطه ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت با قضاوت اخلاقی حسابداران: شواهدی مبتنی بر رشته تحصیلی» ارائه نمودند. نتایج نشان می‌دهد در هر دو گروه دانشجویان حسابداری و مدیریت، رابطه مثبت و معناداری بین وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی با قضاوت اخلاقی وجود دارد و رابطه بین روان‌رنجوری و قضاوت اخلاقی، منفی و معنادار است. حیدر و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «جنسیت حسابرس و سبک‌های کارکردی تفکر: آزمون نظریه خودحکومتی ذهن» ارائه نمودند. تجزیه و تحلیل بیشتر نتایج به تفکیک بخش دولتی و خصوصی حسابرسی، بیانگر آن است که در بخش خصوصی حسابرسی تنها در سطح تفکر قضایی تفاوت معنی‌دار میان زنان و مردان وجود دارد؛ اما در بخش دولتی، جنسیت تنها باعث ایجاد تفاوت معنی‌دار در سطوح قانون‌گذار و قضایی می‌شود و در سطح تفکر اجرایی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه‌های پژوهش

جهت دست یافتن به اهداف اصلی پژوهش و نیز از آنجایی که در این پژوهش منظور از تعاملات نوع کار، حسابدار بودن یا غیرحسابدار بودن پاسخ‌دهندگان می‌باشد، فرضیه‌های زیر مطرح شده، آزمون شدند:

فرضیه ۱: تعاملات نوع کار بر قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است؛

فرضیه ۲: تعاملات نوع کار بر قضاوت رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است؛

فرضیه ۳: جنسیت بر قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است؛

فرضیه ۴: جنسیت بر قضاوت رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است؛

فرضیه ۵: جذابیت بر قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است؛

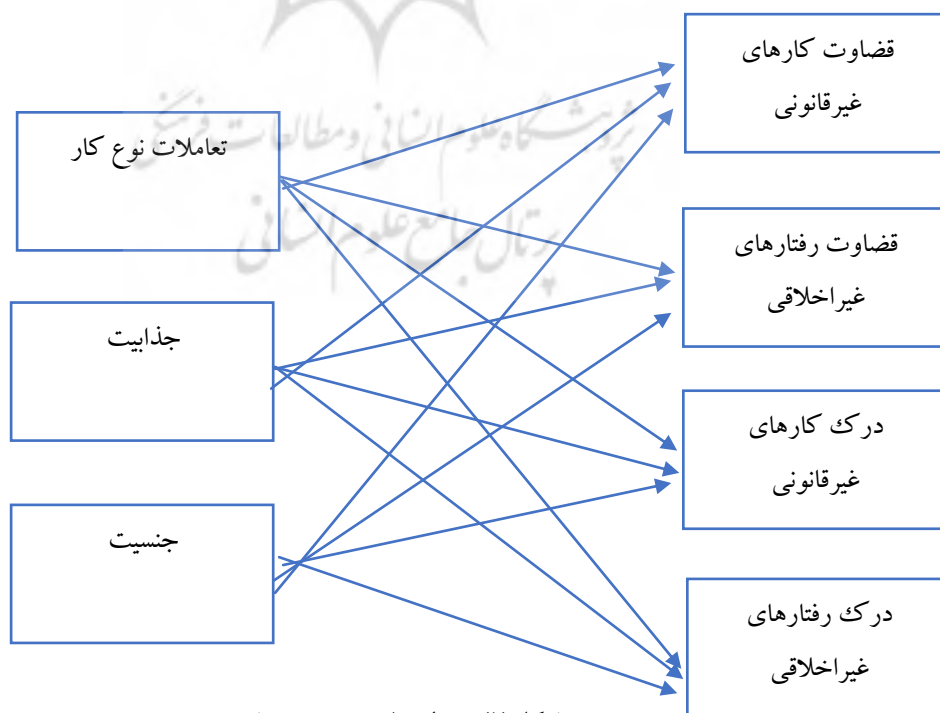
فرضیه ۶: جذابیت بر قضاوت رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است؛

- فرضیه ۷: تعاملات نوع کار بر درک کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است؛
 فرضیه ۸: تعاملات نوع کار بر درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است؛
 فرضیه ۹: جنسیت بر درک کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است؛
 فرضیه ۱۰: جنسیت بر درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است؛
 فرضیه ۱۱: جذابیت بر درک کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است؛
 فرضیه ۱۲: جذابیت بر درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از منظر گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است؛ در واقع این پژوهش باتوجه به ماهیت، توصیفی و باتوجه به هدف تعریف شده، از نوع کاربردی است و بر اساس شیوه انجام آن، پیمایشی است. جامعه بررسی شده در این پژوهش، حسابداران و افراد غیرحسابدار شاغل در سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی می‌باشد. باتوجه به نامحدود بودن اعضای جامعه، برای تعیین اندازه نمونه از فرمول کوکران با جامعه نامحدود و واریانس معلوم استفاده شده است. باتوجه به نامحدود بودن جامعه، تعداد نمونه، با استفاده از رابطه کوکران برابر با ۰/۶۷۷ به دست آمد.

در این پژوهش محقق جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات تحقیق و همچنین پیشینه موضوع تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای مانند کتاب‌ها و مقالات فارسی و لاتین و تحقیقات مشابه در این زمینه استفاده نموده است. به منظور آگاهی از یافته‌های مطالعات صورت گرفته در سایر نقاط دنیا و دستیابی به نتایج مطالعات یافته‌های پژوهشی، مقالات علمی و تبادل اطلاعات و منابع از جستجوی اینترنتی استفاده می‌شود.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

ابزار مورد استفاده در این تحقیق در روش میدانی، استفاده از پرسش‌نامه بوده است. پرسش‌نامه یکی از روش‌ها و ابزارهای بسیار متداول در گردآوری اطلاعات میدانی است که گردآوری اطلاعات را در سطح وسیع امکان‌پذیر می‌سازد. اساساً پرسش‌نامه‌ها حاوی تعدادی سؤال درباره متغیرهای مورد سنجش از جامعه مورد مطالعه هستند. این سؤال‌ها که هر یک درباره یکی از ابعاد یا متغیرهای موضوع در دست‌بررسی است، باید به‌گونه‌ای طراحی و ساخته شود که آنچه را به‌عنوان پاسخ از پاسخ‌گو یا عضو جامعه و نمونه طلب می‌نماید، مشخص سازد.

جهت افزایش میزان روایی پرسش‌نامه، مطالعات زیادی از طریق مطالعه پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌ها به عمل آمد تا به‌طور کامل مفاهیم و متغیرهای مهم به‌کاررفته در تحقیق و چگونگی اندازه‌گیری آن‌ها روشن گردد تا بتوان سؤالات را جهت بررسی فرضیه‌ها طراحی کرد؛ همچنین پس از ترجمه سؤال‌ها، جهت اندازه‌گیری هر متغیر و روایی پرسش‌نامه، پرسش‌نامه ابتدایی در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرار گرفت تا اصلاح و تأیید شود. برای تعیین میزان پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. اگر ضریب آلفا بیشتر از ۰/۷ باشد پرسش‌نامه از پایایی پذیرفتنی‌ای برخوردار است. جدول (۱) آلفای کرونباخ و تعداد سؤال‌های مربوط به کل پرسش‌نامه و متغیرهای پرسش‌نامه را ارائه می‌دهد. از آن جایی که مقدار آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه و متغیرها بزرگتر از ۰/۷ است؛ لذا پرسش‌نامه محقق ساخته از پایایی پذیرفتنی‌ای برخوردار می‌باشد.

جدول (۱): محاسبه پایایی سؤال‌های مربوط به پرسش‌نامه

شاخص	آلفای کرونباخ
جذابیت	۰/۷۸۹
قضاوت رفتارهای غیراخلاقی	۰/۷۹۳
درک رفتارهای غیراخلاقی	۰/۸۳۳
کل پرسش‌نامه	۰/۸۹۷

در این تحقیق توصیف داده‌ای دموگرافیک تحقیق با استفاده از آمار توصیفی، جدول‌های فراوانی و نمودار دایره‌ای میله‌ای انجام شده است. از آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای آزمون نرمال بودن متغیرها و باتوجه به نتایج آزمون برای تحلیل از روش‌های آماری پارامتریک استفاده شده است. به منظور بررسی تفاوت بین دو گروه برای متغیرها از آزمون t برای دو نمونه مستقل و به‌منظور آزمون فرضیه‌ها با هدف سنجش وجود تأثیر میان متغیرها از رگرسیون خطی تک متغیره استفاده می‌شود و برای طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها نرم افزارهای اکسل^۱ و اس پی اس اس^۲ به‌کار می‌رود.

یافته‌های پژوهش

ابتدا به بررسی چگونگی توزیع نمونه‌های آماری از حیث متغیرهایی چون جنسیت، شغل، سن، سابقه خدمت، میزان تحصیلات و ... پرداخته شده است. باتوجه به نتایج آمار توصیفی، از ۴۱۲ نفر افراد نمونه که جواب داده‌اند ۲۲۹ نفر مرد، ۱۸۳ نفر زن بوده که نشان می‌دهد ۵۶ درصد مرد و ۴۴ درصد زن و ۳۲ درصد حسابدار و ۶۸ درصد غیرحسابدار هستند. از طرفی ۵۵ درصد افراد نمونه کمتر از ۳۰ سال سن دارند. حدود ۴۳ درصد کمتر از ۳ سال، ۲۴

درصد بین ۳ تا ۵ سال، ۱۲ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال و ۲۱ درصد بیشتر از ۱۰ سال سابقه خدمت دارند. از نظر سطح تحصیلات حدود ۳۰ درصد کاردانی، ۳۱ درصد کارشناسی، ۳۵ درصد کارشناسی ارشد و ۴ درصد دکتری را شامل می‌شود و حدود ۷۳ درصد پاسخ‌گویان مدرک تحصیلی حسابداری دارند؛ سپس با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف باتوجه به سطح معناداری که بزرگتر از ۰/۰۵ بود، مشخص گردید که در سطح اطمینان ۹۵٪، همه متغیرها قاعده‌مند و بهنجار می‌باشند.

جدول (۲): مشخصات جمعیت‌شناختی

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۲۹	۵۵/۶
	زن	۱۸۳	۴۴/۴
سن	کمتر از ۳۰ سال	۲۲۷	۵۵/۱
	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۱۲۳	۲۹/۹
	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۳۹	۹/۵
	بیشتر از ۵۰ سال	۲۳	۵/۶
شغل	حسابدار	۱۳۴	۳۲/۵
	غیرحسابدار	۲۷۸	۶۷/۵
سابقه خدمت	کمتر از ۳ سال	۱۷۷	۴۳
	بین ۳ تا ۵ سال	۹۸	۲۳/۸
	بین ۵ تا ۱۰ سال	۴۸	۱۱/۷
	بیشتر از ۱۰ سال	۸۹	۲۱/۶
میزان تحصیلات	کاردانی	۱۲۳	۲۹/۹
	کارشناسی	۱۲۷	۳۰/۸
	کارشناسی ارشد	۱۴۳	۳۴/۷
رشته تحصیلی	دکتری	۱۹	۴/۶
	مدیریت	۵	۱/۲
	اقتصاد	۲	۰/۵
رشته تحصیلی	حسابداری	۳۰۰	۷۲/۸
	حقوق	۵	۱/۲
	روان‌شناسی	۸	۱/۹
	غیره	۹۲	۲۲/۳
	جمع	۴۱۲	۱۰۰

فرضیه اول به بررسی تأثیر تعاملات نوع کار بر قضاوت کارهای غیرقانونی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۳) ارائه شده است. در آزمون t برای دو نمونه مستقل دو آزمون مختلف انجام می‌دهد. در آزمون نوع اول که به لوین معروف است، فرض برابری واریانس‌ها آزمون می‌شود. فرض صفر این آزمون این است که واریانس دو گروه با هم برابر است. اگر سطح معنی‌داری آزمون لوین کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرض برابری رد می‌شود و t در سطر دوم گزارش می‌شود؛ ولی اگر از ۰/۰۵ بیشتر باشد، نمی‌توان فرض برابری واریانس‌ها را رد کرد و t در سطر اول گزارش می‌شود. آزمون دوم یعنی آزمون t برای برابری میانگین‌ها انجام می‌شود. باتوجه به آماره t (۱/۲۷۷-) و سطح

معناداری (۰/۲۰۲) که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر پذیرفته می‌شود؛ یعنی تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار نمی‌باشد؛ بنابراین تعاملات نوع کار در قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری نداشته است.

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه اول

فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاضل		آزمون t برای دو نمونه مستقل				آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		قضاوت کارهای غیرقانونی
پایینی	بالایی	تفاضل میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	
۰/۴۹۳	-۰/۲۳۲	-۰/۹۱۵	۰/۲۰۲	۴۱۰	-۱/۲۷۷	۰/۲۰۸	۱/۵۸۸	مفروض برابری واریانس
۰/۴۹۳	-۰/۲۳۱	-۰/۹۱۵	۰/۱۹۹	۲۶۸/۲۹۴	-۱/۲۸۸			مفروض نابرابری واریانس

فرضیه دوم به بررسی تأثیر تعاملات نوع کار بر قضاوت رفتارهای غیراخلاقی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۴) ارائه شده است. باتوجه به آماره t (-۱/۱۵۰) و سطح معناداری (۰/۲۵۱) که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر پذیرفته می‌شود؛ یعنی تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار نمی‌باشد؛ بنابراین تعاملات نوع کار در قضاوت رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری نداشته است.

جدول (۴): نتایج آزمون فرضیه دوم

فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاضل		آزمون t برای دو نمونه مستقل				آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		قضاوت رفتارهای غیراخلاقی
پایینی	بالایی	تفاضل میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	
-۰/۶۴۲	-۰/۲۴۵	-۰/۰۹۰	۰/۲۵۱	۴۱۰	-۱/۱۵۰	۰/۱۶۶	۱/۹۲۷	مفروض برابری واریانس
۰/۶۳۱	-۰/۲۴۴	-۰/۰۹۰	۰/۲۴۷	۲۶۸/۶۹۰	-۱/۱۶۰			مفروض نابرابری واریانس

فرضیه سوم به بررسی تأثیر جنسیت بر قضاوت کارهای غیرقانونی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۵) ارائه شده است. باتوجه به آماره t (۳/۰۹۲) و سطح معناداری (۰/۰۰۲) که کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر رد می‌شود. یعنی تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار می‌باشد. بنابراین جنسیت در قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری داشته است و باتوجه به میانگین‌های دو گروه، قضاوت کارهای غیرقانونی در مردان بیشتر از زنان بوده است.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه سوم

آزمون t برای دو نمونه مستقل				آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها				
فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاضل		تفاضل میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	قضایات کارهای غیرقانونی
پایینی	بالایی							مفروض برابری واریانس
۰/۷۵۳	۰/۳۳۸	۰/۲۰۶	۰/۰۰۲	۴۱۰	۳/۰۹۲	۰/۲۲۸	۱/۴۵۹	مفروض نابرابری واریانس
۰/۰۷۵	۰/۳۳۸	۰/۲۰۶	۰/۰۰۲	۳۸۸/۵۳۹	۳/۰۸۹			

فرضیه چهارم به بررسی تأثیر جنسیت بر قضایات رفتارهای غیراخلاقی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۶) ارائه شده است. باتوجه به آماره t (۰/۲۹۲) و سطح معناداری (۰/۷۷۱) که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر پذیرفته می‌شود. یعنی تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار نمی‌باشد. بنابراین جنسیت در قضایات رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری نداشته است.

جدول (۶): نتایج آزمون فرضیه چهارم

آزمون t برای دو نمونه مستقل				آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها				
فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاضل		تفاضل میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	قضایات رفتارهای غیراخلاقی
پایینی	بالایی							مفروض برابری واریانس
-۰/۱۲۴	۰/۱۶۷	۰/۲۱۶	۰/۷۷۱	۴۱۰	۰/۲۹۲	۰/۹۱۸	۰/۰۱۱	مفروض نابرابری واریانس
۰/۱۲۴	۰/۱۶۷	۰/۲۱۶	۰/۷۷۱	۳۸۹/۴۱۷	۰/۲۹۲			

فرضیه پنجم به بررسی تأثیر جذابیت بر قضایات کارهای غیرقانونی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۷) و (۸) ارائه شده است. باتوجه به سطح معناداری (۰/۰۲۳) که کوچک‌تر از ۰/۰۵ به دست آمده، معادله رگرسیون خطی معنادار می‌باشد. همچنین باتوجه به ضریب تعیین می‌توان گفت تنها ۱ درصد از تغییرات متغیر پاسخ (وابسته) توسط متغیر پیش‌گو (مستقل) قابل بیان است. همچنین آماره دوربین واتسون برای این مدل نزدیک ۲ می‌باشد که نشان دهنده تصادفی بودن باقیمانده‌ها است.

جدول (۷): نتایج آزمون مدل اصلی ۱

ANOVA		آماره دوربین واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	R	مدل
Sig.	F					
۰/۰۲۳	۵/۲۲۴	۲/۰۳۲	۰/۰۱۰	۰/۰۱۳	۰/۱۱۲	۱

در خروجی به دست آمده در جدول ضرایب رگرسیونی، مشخص می‌گردد که باتوجه به سطح معناداری متغیر جذابیت (۰/۰۲۳) که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض صفر رد می‌شود و در سطح اطمینان ۹۵٪ ضریب متغیر جذابیت در معادله رگرسیون معنادار است؛ یعنی جذابیت بر قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری دارد و مقدار تأثیر برابر ۰/۱۱۲- است؛ بنابراین با افزایش سطح جذابیت، میزان قضاوت کارهای غیرقانونی کاهش می‌یابد.

جدول (۸): نتایج آزمون فرضیه پنجم

Sig.	T	ضرایب استاندارد		مدل
		Beta	خطای استاندارد	
۰/۰۰۰	۱۸/۵۳۴	-	۰/۱۳۰	مقدار ثابت
-۰/۰۲۳	-۲/۲۸۶	-۰/۱۱۲	۰/۰۳۹	جذابیت

متغیر وابسته: قضاوت کارهای غیرقانونی

فرضیه ششم به بررسی تأثیر جذابیت بر قضاوت رفتارهای غیراخلاقی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۹) و (۱۰) ارائه شده است. برای بررسی فرضیه اصلی، مدل رگرسیون خطی تک متغیره برای قضاوت رفتارهای غیراخلاقی به عنوان متغیر وابسته و جذابیت به عنوان متغیر مستقل انجام شده است که نتایج به شرح زیر می‌باشد. باتوجه به سطح معناداری (۰/۷۶۹) که بزرگتر از ۰/۰۵ به دست آمده، معادله رگرسیون خطی معنادار نمی‌باشد. همچنین آماره دوربین واتسون برای این مدل نزدیک ۲ می‌باشد که نشان دهنده تصادفی بودن باقیمانده‌ها است.

جدول (۹): نتایج آزمون مدل اصلی ۲

ANOVA		ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	R	مدل
Sig.	F				
۰/۷۶۹	۰/۰۸۶	۱/۹۴۳	۰/۰۰۰	۰/۰۱۵	۱

در خروجی به دست آمده در جدول ضرایب رگرسیونی، مشخص می‌گردد که باتوجه به سطح معناداری متغیر جذابیت (۰/۷۶۹) که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض صفر پذیرفته می‌شود و در سطح اطمینان ۹۵٪ ضریب متغیر جذابیت در معادله رگرسیون معنادار نمی‌باشد؛ یعنی جذابیت بر قضاوت رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری ندارد.

جدول (۱۰): نتایج آزمون فرضیه ششم

Sig.	t	ضرایب استاندارد		مدل
		Beta	خطای استاندارد	
۰/۰۰۰	۱۵/۲۳۱	-	۰/۱۴۳	مقدار ثابت
۰/۷۶۹	-۰/۲۹۴	-۰/۰۱۵	۰/۰۴۳	جذابیت

متغیر وابسته: قضاوت رفتارهای غیراخلاقی

فرضیه هفتم به بررسی تأثیر تعاملات نوع کار بر درک کارهای غیرقانونی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول ۱۱ ارائه شده است. باتوجه به آماره t (۱/۰۱۵) و سطح معناداری (۰/۳۱۱) که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در

سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر پذیرفته می‌شود. یعنی تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار نمی‌باشد. بنابراین تعاملات نوع کار در درک کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری نداشته است.

جدول (۱۱): نتایج آزمون فرضیه هفتم

آزمون t برای دو نمونه مستقل				آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها				
فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاضل		تفاضل میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	درک کارهای غیرقانونی
پایینی	بالایی							
۰/۲۶۱	-۰/۰۸۷	۰/۰۸۶	۰/۳۲۸	۴۱۰	۰/۹۷۹	۰/۰۱۵	۶/۰۲۶	مفروض برابری واریانس
۰/۲۵۵	-۰/۰۸۱	۰/۰۸۶	۳۱۱	۲۸۹/۲۰۲	۱/۰۱۵			مفروض نابرابری واریانس

فرضیه هشتم به بررسی تأثیر تعاملات نوع کار بر درک رفتارهای غیراخلاقی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۱۲) ارائه شده است. باتوجه به آماره t (۱/۰۴۲) و سطح معناداری (۰/۲۹۸) که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر پذیرفته می‌شود؛ یعنی تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار نمی‌باشد؛ بنابراین تعاملات نوع کار در درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری نداشته است.

جدول (۱۲): نتایج آزمون فرضیه هشتم

آزمون t برای دو نمونه مستقل				آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها				
فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاضل		تفاضل میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	درک رفتارهای غیراخلاقی
پایینی	بالایی							
۰/۲۹۹	-۰/۰۹۲	۰/۱۰۳	۰/۲۹۸	۴۱۰	۱/۰۴۲	۰/۲۳۴	۱/۴۲۳	مفروض برابری واریانس
۰/۲۹۹	-۰/۰۹۱	۰/۱۰۳	۰/۲۹۷	۲۶۵/۲۷۷	۰/۰۴۶			مفروض نابرابری واریانس

فرضیه نهم به بررسی تأثیر جنسیت بر درک کارهای غیرقانونی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۱۳) ارائه شده است. باتوجه به آماره t (-۴/۳۶۸) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) که کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار می‌باشد؛ بنابراین جنسیت در درک کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری داشته است و باتوجه به میانگین‌های دو گروه نشان می‌دهد زنان کارهای غیرقانونی را بیشتر از مردان درک می‌کنند.

جدول (۱۳): نتایج آزمون فرضیه نهم

فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاضل		آزمون t برای دو نمونه مستقل			آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها			درک کارهای غیرقانونی
پایینی	بالایی	تفاضل میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	
-۰/۱۸۷	-۰/۵۰۹	۰/۳۴۸	۰/۰۰۰	۴۱۰	-۴/۲۴۸	۰/۰۰۰	۲۹/۱۹۳	مفروض برابری واریانس
-۰/۱۹۱	-۰/۵۰۵	-۰/۳۴۸	۰/۰۰۰	۴۰۹/۶۶۷	-۴/۳۶۸			مفروض نابرابری واریانس

فرضیه دهم به بررسی تأثیر جنسیت بر درک رفتارهای غیراخلاقی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۱۴) ارائه شده است. با توجه به آماره t (-۲/۰۰۷) و سطح معناداری (۰/۰۴۵) که کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار می‌باشد؛ بنابراین جنسیت در درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری داشته است و با توجه به میانگین‌های دو گروه، زنان رفتارهای غیراخلاقی را بیشتر از مردان درک می‌کنند.

جدول (۱۴): نتایج آزمون فرضیه دهم

فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاضل		آزمون t برای دو نمونه مستقل			آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها			درک رفتارهای غیراخلاقی
پایینی	بالایی	تفاضل میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	
-۰/۰۰۰۸۳	-۰/۳۶۹	-۰/۱۸۹	۰/۰۴۹	۴۱۰	-۱/۹۷۵	۰/۰۲۰	۵/۴۶۲	مفروض برابری واریانس
-۰/۰۰۳	-۰/۳۶۶	-۰/۱۸۹	۰/۰۴۵	۴۰۷/۴۸۴	-۲/۰۰۷			مفروض نابرابری واریانس

فرضیه یازدهم به بررسی تأثیر جذابیت بر درک کارهای غیرقانونی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۱۵) و (۱۶) ارائه شده است. با توجه به سطح معناداری (۰/۵۶۱) که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ به دست آمده، معادله رگرسیون خطی معنادار نمی‌باشد. همچنین آماره دوربین واتسون برای این مدل نزدیک ۲ می‌باشد که نشان‌دهنده تصادفی بودن باقیمانده‌ها است.

جدول (۱۵): نتایج آزمون مدل اصلی ۳

ANOVA	ضریب تعیین		آماره دوربین واتسون	ضریب تعیین	R	مدل
Sig.	F	ضریب تعیین شده				
۰/۵۶۱	۰/۳۳۸	۲/۰۲۶	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۲۹	۱

در خروجی به‌دست‌آمده در جدول ضرایب رگرسیونی، مشخص می‌گردد که باتوجه به سطح معناداری متغیر جذابیت (۰/۵۶۱) که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض صفر پذیرفته می‌شود و در سطح اطمینان ۹۵٪ ضریب متغیر جذابیت در معادله رگرسیون معنادار نمی‌باشد؛ یعنی جذابیت بر درک کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری ندارد.

جدول (۱۶): نتایج آزمون فرضیه یازدهم

Sig.	t	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		Beta	خطای استاندارد	
۰/۰۰۰	۲۶/۴۰۷		۰/۱۶۲	مقدار ثابت
۰/۵۶۱	۰/۵۸۲	۰/۰۲۹	۰/۰۴۸	جذابیت

متغیر وابسته: درک کارهای غیرقانونی

فرضیه دوازدهم به بررسی تأثیر جذابیت بر درک رفتارهای غیراخلاقی می‌پردازد. نتایج آزمون این فرضیه در جدول (۱۷) و (۱۸) ارائه شده است. برای بررسی فرضیه اصلی، مدل رگرسیون خطی تک متغیره برای متغیر درک رفتارهای غیراخلاقی به عنوان متغیر وابسته و جذابیت به‌عنوان متغیر مستقل انجام شده است که نتایج بدین شرح می‌باشد: باتوجه به سطح معناداری (۰/۶۸۵) که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ به‌دست‌آمده، معادله رگرسیون خطی معنادار نمی‌باشد؛ همچنین آماره دوربین واتسون برای این مدل نزدیک ۲ می‌باشد که نشان‌دهنده تصادفی بودن باقیمانده‌ها است.

جدول (۱۷): نتایج آزمون مدل اصلی ۴

ANOVA	Sig.	F	آماره دوربین واتسون	ضریب تعیین تعدیل‌شده	ضریب تعیین	R	مدل

در خروجی به‌دست‌آمده در جدول ضرایب رگرسیونی، مشخص می‌گردد که باتوجه به سطح معناداری متغیر جذابیت (۰/۶۸۵) که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد فرض صفر پذیرفته می‌شود و در سطح اطمینان ۹۵٪ ضریب متغیر جذابیت در معادله رگرسیون معنادار نمی‌باشد؛ یعنی جذابیت بر درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری ندارد.

جدول (۱۸): نتایج آزمون فرضیه دوازدهم

Sig.	t	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		Beta	خطای استاندارد	
۰/۰۰۰	۲۳/۴۰۲		۰/۱۸۱	مقدار ثابت
۰/۶۸۵	۰/۴۰۶	۰/۰۲۰	۰/۰۵۴	جذابیت

متغیر وابسته: درک رفتارهای غیراخلاقی

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی جنسیت و جذابیت بر قضاوت‌های غیراخلاقی حسابداران و غیرحسابداران انجام شده است. قضاوت‌های غیراخلاقی به دو بعد قضاوت رفتارهای غیراخلاقی و درک رفتارهای غیراخلاقی تقسیم‌بندی می‌شود. جهت انجام فرایند تحقیق با استفاده از پژوهش‌ها و تحقیق‌های انجام شده در حوزه متغیرها نسبت به مبانی نظری تحقیق اطلاعات گردآوری و جهت سنجش متغیرها از روش پیمایشی با ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. در فرضیه اصلی اول ادعا شده بود، تعاملات نوع کار، جذابیت و جنسیت بر قضاوت رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است. این فرضیه به شش فرضیه فرعی دیگر تقسیم شده است و نتایج نشانگر این است که در فرضیه فرعی اول که آمده تعاملات نوع کار بر قضاوت‌های غیرقانونی تأثیرگذار است، منظور از تعاملات نوع کار، حسابدار بودن یا غیرحسابدار بودن پاسخ‌دهندگان می‌باشد؛ در حالی که نتیجه آزمون فرضیه نشان‌دهنده نبود تفاوت معنی‌دار بین حسابداران و غیرحسابداران در خصوص قضاوت کارهای غیرقانونی حساب‌برسان می‌باشد و این موضوع بیانگر این مسئله است که نوع کار در قضاوت افراد تأثیر چندانی ندارد؛ چرا که مباحث رفتاری و اجتماعی در اولویت قضاوت قرار می‌گیرد. در تبیین این فرضیه می‌توان اشاره کرد در که اساس‌نامه جامعه حسابداران رسمی ایران و آیین‌نامه انضباطی آن که برای اعضا در نظر گرفته شده، مسئولیت‌های قانونی و حرفه‌ای حساب‌برسان و ضریب پاسخ‌گویی آن‌ها را نسبت به وظایفی که بر عهده‌شان است دوصد چندان کرده است و ضرورت دارد که حساب‌برسان از این مسئولیت‌ها اطلاع کامل داشته باشند. از سوی دیگر، تاکنون هیچ نوشتار مدونی که به‌طور جامع به کلیه مسئولیت‌های قانونی حساب‌برسان در قوانین و مقررات کشورمان بپردازد، منتشر نگردیده است؛ بنابراین تعاملات نوع کار در قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری نداشته است. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق، عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۹) و قاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) مشابهت داشته است.

نتیجه حاصل از تحقیق مبنی بر نبود تفاوت معنادار بین حسابداران و غیرحسابداران (تعاملات نوع کار) بر قضاوت رفتارهای غیراخلاقی مبین این مسئله است که هر حرفه و شغلی دارای قوانین و ضوابط تعریف شده خود می‌باشد و وجود قوانین و مقررات صرفاً برای حسابداران نمی‌باشد بلکه از نظر اخلاقی سایر حرفه‌ها هم باید متعهد به انجام وظایف و قوانین حاکم بر حرفه خود باشند؛ لذا با توجه به نتیجه به‌دست‌آمده می‌توان ادعان نمود که افراد در هر شغلی باید ضوابط مربوط به حرفه خود را رعایت نمایند. قضاوت‌های رفتاری غیراخلاقی درباره هر حرفه اعم از حسابداری و غیرحسابداری ممکن است وجود داشته باشد. همچنین نتایج این به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق، عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۹) و قاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) مشابهت داشته است.

در فرضیه فرعی سوم آمده است که جنسیت بر قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است و نتیجه آزمون فرضیه، نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی‌دار بین زنان و مردان در خصوص قضاوت کارهای غیرقانونی حساب‌برسان می‌باشد و این موضوع بیانگر این مسئله است که جنسیت در قضاوت کارهای غیرقانونی افراد تأثیرگذار است بنابراین این فرضیه پذیرفته می‌شود و تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار می‌باشد. در تبیین این فرضیه در نتایج تحقیق نصیری و همکاران (۱۳۹۶) آمده است که زنان در مقایسه بر مردان تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای حسابداری مبتنی بر اصول دارند، همچنین شهبابی (۱۳۹۳)، نشان داد که جنسیت یکی از ویژگی‌های درونی است که ممکن است قضاوت افراد و در نتیجه، تصمیمات حرفه‌ای آنان را تحت تأثیر قرار دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که جنسیت از مجرای ویژگی‌های شخصیتی بر فرایند ارزیابی ریسک و در نتیجه قضاوت حرفه‌ای حساب‌برسان داخلی تأثیرگذار است.

بنابراین میانگین‌های دو گروه نشان می‌دهد قضاوت کارهای غیرقانونی در زنان بیشتر از مردان بوده است؛ همچنین نتایج این به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق، عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۹) و قاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) مشابهت داشته است.

در فرضیه فرعی چهارم آمده است که جنسیت بر قضاوت رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است در حالی که نتیجه آزمون فرضیه نشان دهنده نبود تفاوت معنی‌دار بین زنان و مردان در خصوص قضاوت رفتارهای غیراخلاقی می‌باشد و این موضوع بیانگر این مسئله است که جنسیت بر قضاوت رفتارهای غیراخلاقی افراد تأثیر چندانی ندارد؛ یعنی هر دو گروه جنسیتی قضاوت یکسانی در تحلیل رفتارهای غیراخلاقی دارند و مؤلفه‌های دیگری بر نوع قضاوت افراد فارغ از جنسیت اثرگذار است و تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار نمی‌باشد. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۹) و قاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) مشابهت داشته است.

در فرضیه فرعی پنجم ادعا شده بود، جذابیت بر قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است. نتایج آزمون رگرسیون نشان داده است در سطح اطمینان ضریب متغیر جذابیت در معادله رگرسیون معنادار است؛ یعنی جذابیت بر قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری دارد و این فرضیه پذیرفته شد. در تبیین این فرضیه می‌توان اشاره کرد که تفاوت‌های روان‌شناختی فردی می‌تواند به عنوان یک متغیر اثرگذار بر قضاوت حرفه‌ای شناسایی شود. جذابیت به عنوان یکی از تفاوت‌های فردی عامل تأثیرگذار بر قضاوت کارهای غیرقانونی می‌باشد؛ بنابراین با افزایش سطح جذابیت، میزان قضاوت کارهای غیرقانونی کاهش می‌یابد و فرضیه فرعی پنجم تأیید می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق زالاتا و همکاران (۲۰۱۹)، اونز و همکاران (۲۰۱۸) و خلیف و آچک (۲۰۱۷) مشابهت دارد. در فرضیه فرعی ششم آمده است که جذابیت بر قضاوت رفتارهای غیر اخلاقی تأثیرگذار است؛ در حالی که نتیجه آزمون فرضیه نشان‌دهنده نبود تفاوت معنی‌دار بین افراد جذاب و غیرجذاب در خصوص قضاوت رفتارهای غیراخلاقی حساب‌برسان می‌باشد. در واقع یعنی جذابیت ظاهری افراد بر قضاوت آن‌ها در مورد رفتارهای غیراخلاقی دیگران تأثیر معناداری ندارد و جذابیت نمی‌تواند به عنوان یک مؤلفه با تأثیر چشم‌گیر و معنادار تحلیل شود؛ در نتیجه فرضیه فرعی ششم نیز تأیید می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق زالاتا و همکاران (۲۰۱۹)، اونز و همکاران (۲۰۱۸) و خلیف و آچک (۲۰۱۷) مشابهت دارد.

فرضیه اصلی دوم آمده است که تعاملات نوع کار، جذابیت و جنسیت بر درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است. این فرضیه به ۶ فرضیه فرعی دیگر تقسیم شده است که نتایج آن مطابق به شرح زیر می‌باشد:

در فرضیه فرعی اول آمده است که تعاملات نوع کار بر درک کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است؛ در صورتی که نتیجه آزمون فرضیه نشان‌دهنده نبود تفاوت معنادار بین حسابداران و غیرحسابداران در خصوص درک کارهای غیرقانونی حساب‌برسان می‌باشد و این موضوع بیانگر این مسئله است که تعاملات نوع کار در درک کارهای غیرقانونی افراد تأثیر چندانی ندارد؛ یعنی تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار نمی‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان اشاره کرد که آشنایی حساب‌برسان با قوانین مدون و شرکت در دوره‌های آموزشی باعث می‌شود که ایشان کارهای غیرقانونی را بهتر درک کنند. تعاملات نوع کار نیز نقش تعیین‌کننده‌ای بر کارایی حساب‌برسان دارد؛ بنابراین تعاملات نوع کار در درک کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری نداشته است. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۹) و قاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) مشابهت دارد.

در فرضیه فرعی دوم آمده است که تعاملات نوع کار بر درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است. نتیجه آزمون نشان‌دهنده نبود تفاوت معنی‌دار بین حسابداران و غیرحسابداران در خصوص درک رفتارهای غیراخلاقی حسابرسان می‌باشد. تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار نمی‌باشد؛ بنابراین تعاملات نوع کار در درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری نداشته است. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۹) و قاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) مشابهت دارد.

در فرضیه فرعی سوم آمده است که جنسیت بر درک کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است. نتیجه آزمون این فرضیه نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی‌دار بین زنان و مردان در خصوص درک کارهای غیرقانونی حسابرسان می‌باشد که بیانگر این مسئله است که جنسیت در درک کارهای غیرقانونی افراد تأثیرگذار است و این فرضیه پذیرفته شد. در تبیین این فرضیه و باتوجه به چارچوب نظری در هر حرفه‌ای، افراد برای انجام امور حرفه‌ای از سبک تفکر خود استفاده می‌نمایند. در این میان جنسیت نقش تأثیرگذاری بر سبک تفکر افراد دارد. مطالعات در حوزه روان‌شناسی نشان داده است سبک تفکر زنان در مقایسه با مردان متفاوت است؛ بنابراین جنسیت در درک کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری داشته است و باتوجه به میانگین‌های دو گروه می‌توان به این نتیجه رسید که زنان کارهای غیرقانونی را بیشتر از مردان درک می‌کنند. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۹) و قاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) مشابهت دارد.

در فرضیه فرعی چهارم آمده است که جنسیت بر درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است. نتیجه آزمون نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی‌دار بین دو گروه در خصوص درک رفتارهای غیرقانونی حسابرسان می‌باشد که بیانگر این مسئله است که جنسیت بر درک افراد تأثیرگذار است. تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه معنادار می‌باشد؛ یعنی این فرضیه هم پذیرفته می‌شود. در تبیین این فرضیه و باتوجه به چارچوب نظری، پسرها از نیم‌کره راست مغز و دخترها از نیم‌کره چپ مغز در پردازش اطلاعات استفاده می‌کنند؛ همچنین نتایج تحقیقات رفتاری بیانگر آن است که مردان در پردازش اطلاعات تنها بر بخشی از داده‌های در دسترس تمرکز می‌کنند؛ اما زنان بر تمام یا بیشتر اطلاعات آن‌ها در پردازش اطلاعات تمرکز دارند و استفاده می‌کنند؛ بنابراین جنسیت در درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری داشته است. باتوجه به میانگین‌های دو گروه می‌توان به این نتیجه رسید که زنان رفتارهای غیراخلاقی را بیشتر از مردان درک می‌کنند. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۹) و قاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) مشابهت دارد.

در فرضیه فرعی پنجم آمده است که جذابیت بر درک کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است. نتایج آزمون نشان داده است سطح اطمینان ضریب متغیر جذابیت در معادله رگرسیون معنادار نمی‌باشد؛ یعنی جذابیت بر درک کارهای غیرقانونی تأثیر معناداری ندارد. در تبیین این فرضیه می‌توان چنین استدلال کرد که جذابیت جزء ویژگی‌های ظاهری افراد است و جنبه اکتسابی ندارد؛ لذا آنچه که بر درک کارهای غیرقانونی مؤثر می‌باشد آشنایی حسابرسان با قوانین و مقررات حوزه کاری خود می‌باشد و این اکتسابی است. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق زالاتا و همکاران (۲۰۱۹)، اونز و همکاران (۲۰۱۸) و خلیف و آچک (۲۰۱۷) مشابهت دارد.

در فرضیه فرعی ششم آمده است که جذابیت بر درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است. نتایج آزمون نشان داده است در سطح اطمینان ضریب متغیر جذابیت در معادله رگرسیون معنادار نمی‌باشد؛ یعنی جذابیت بر درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیر معناداری ندارد. در تبیین این فرضیه می‌توان این‌طور بیان کرد از دیدگاه روان‌شناسی آنچه باعث بروز رفتارهای غیراخلاقی در بین افراد می‌شود هیجانات فردی منفی، احساسات منفی فرد نسبت به یک

موضوع و درک نکردن صحیح و انجام وظایف محول شده به اوست و بنابراین فرضیه فرعی ششم تأیید می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه با نتایج تحقیق زالاتا و همکاران (۲۰۱۹)، اونز و همکاران (۲۰۱۸) و خلیف و آچک (۲۰۱۷) مشابهت دارد.

به منظور نظارت بهتر بر عملکرد و کاهش اشتباه‌های حرفه‌ای حساب‌برسان در قضاوت رفتارهای غیرحرفه‌ای آن‌ها پیشنهادها زیر مطرح می‌شود، نکته قابل تأمل ارائه پیشنهادها کاربردی برای فرضیه‌هایی است که تأیید شده‌اند: طبق نتایج به دست‌آمده از فرضیه فرعی سوم (فرضیه اصلی اول) تحقیق که نشان می‌دهد قضاوت کارهای غیرقانونی در مردان بیشتر از زنان بوده است، پیشنهاد می‌شود که نهادهای نظارتی همچون سازمان حسابرسی، دیوان محاسبات کشور و سازمان بورس اوراق بهادار در کنار آزمون‌های کتبی، حتماً به شناخت ویژگی‌های شخصیتی افراد استخدامی دست یابند؛ چرا که قضاوت حرفه‌ای و اصولی حساب‌برسان به عنوان یک مبنا و معیار تصمیم‌گیری و ارتقادهنده سطح شفافیت‌ها مطرح می‌باشد که در صورت تناسب بین ویژگی‌های شخصیتی با ویژگی‌های حرفه‌ای حسابرسی، می‌توان انتظار جامعه سالم‌تر و خالی از فساد و ... را داشت.

همچنین پیشنهاد می‌شود در دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی که برای حسابداران برگزار می‌گردد در بخش مردان بر سرفصل‌های مرتبط با قوانین و مقررات تمرکز بیشتری انجام شود و در طول دوره کاری و در آموزش‌های حین خدمت نیز به این سرفصل‌ها توجه بیشتری گردد. نظارت و کنترل مستمر بر عملکردهای کارمندان به‌ویژه در خصوص تطابق وظایف انجام‌شده بر معیارهای قانونی، می‌تواند در قانون‌گریزی افراد تأثیر مثبتی داشته باشد.

طبق نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه فرعی پنجم (فرضیه اصلی اول) تحقیق، می‌توان گفت جذابیت بر قضاوت کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است. پیشنهاد می‌شود به‌منظور ارتقای کیفیت حسابرسی و کاهش قضاوت کارهای غیرقانونی در سطح جامعه با تکیه بر سطح ذهنیت توطئه حساب‌برسان ترکیب مناسبی از جنسیت را برای تصدی شغل حسابرسی مدنظر قرار دهند تا کمتر به ویژگی‌های ظاهری توجه شود.

پیشنهاد می‌شود در روند گزینش و استخدام افراد تأکید بر جذابیت ظاهری حتی‌الامکان به صورت علنی کمتر بوده و به‌کارگیری افراد در مشاغل مورد نیاز مطابق با نتایج فرضیه باشد و با در نظر گرفتن پوشش‌های خاص و متحدالشکل از تأثیرگذاری جذابیت‌های ظاهری بر مؤلفه‌های کاری کاسته شود.

طبق نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه فرعی سوم (فرضیه اصلی دوم) تحقیق می‌توان بیان کرد که جنسیت بر درک کارهای غیرقانونی تأثیرگذار است. پیشنهاد می‌شود به‌منظور ارتقای کیفیت حسابرسی و کاهش درک کارهای غیرقانونی در سطح جامعه با تکیه بر تخصص و تجربه حساب‌برسان ترکیب مناسبی از جنسیت را برای تصدی شغل حسابرسی مدنظر قرار دهند تا کمتر به ویژگی‌های جنسیتی توجه گردد؛ همچنین می‌توان برای نظارت بر روند کاری کارمندان مرتبط با امور حسابداری و حسابرسی از ترکیبی شامل تعداد بیشتری از زنان و ایجاد گروه‌های نظارت با ترکیب جنسیتی مردان و زنان استفاده کرد.

نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه فرعی چهارم (فرضیه اصلی دوم) تحقیق نشان می‌دهد جنسیت بر درک رفتارهای غیراخلاقی تأثیرگذار است. پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش رفتارهای غیراخلاقی در بین حساب‌برسان، حین گزینش و استخدام به ویژگی‌های اخلاقی، روحی و روانی افراد توجه شود و سازمان‌ها با توجه به شرایط و تخصص افراد ترکیب مناسب جنسیتی را مدنظر داشته باشند.

برای پژوهش‌های آتی موضوعاتی به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

- بررسی میزان تأثیرگذاری عوامل بیشتر و مؤثرتر نسبت به قضاوت رفتارهای غیر حرفه‌ای حساب‌برسان؛

- شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر قضاوت رفتارهای غیرحرفه‌ای حسابرسان؛
- بررسی تأثیر جنسیت، تحصیلات و ذهنیت توطئه بر قضاوت رفتارهای غیرحرفه‌ای حسابرسان؛
- تأثیر جنسیت حسابرس و سبک‌های کارکردی تفکر بر قضاوت رفتارهای غیرحرفه‌ای حسابرسان.

References

- Abbasi, I., & Easy, R. (2020). The Role of Auditors' Ethical Decision Making on Disclosure of Financial and Non-Financial Secrets, *Empirical Studies in Financial Accounting*, Summer 2016, No. 66. (In persian).
- Ahmadi, I. (2019). Ineffectiveness of moral decisions from logical reasons, social cognition in the eighth year of autumn and winter 1398 No. 2 (16 consecutive). (In persian).
- Al-Shaer, H., & Zaman, M. (2016). Board gender diversity and sustainability reporting quality. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 12(3), 210-222.
- Bao, Y., & Lu, D. (2019). Board Gender Diversity and Firm Performance: Evidence from Chinese Firms, *International Journal of Productivity and Performance Management*, 1-62.
- Barzideh, F., Babajani, J., Ghorbanizadeh, V., & Abdollahi, A. (2019). Designing and Explaining the Identity Model in Auditing Judgment. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 5(2), 1-34. (In persian).
- BiRia, N. (2007). *Developmental Psychology with an Attitude to Islamic Sources*, (Fourth Edition). Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books. (In persian).
- Farajzadeh Dehkordi, H. (2020). How Personality and Gender Relate to Ethical Judgment of Accountants: Evidence Based on Discipline. *Quarterly Journal of Value and Behavioral Accounting*, 4(7), 181-208. (In persian).
- Farzi Golfarani, M., & Elaheh, M.I. (2004). Investigating the stages of moral development of children and adolescents aged 6 to 17 years with conduct disorder in Tehran. (In persian)
- Garcia-Sanchez, I. M., Martínez-Ferrero, J., & García-Meca, E. (2018). Gender diversity, financial expertise and its effects on accounting quality, *Management Decision*, 55(2), 347-382.
- Ghasemi Nejad, E., Bahman Bani, M., & Beshkooh, M. (2016). The Impact of Gender, Education and Conspiracy Mindset on the Auditor's Professional Doubt: A Test of Attitude Theory, *Auditing Knowledge*, 20(78), 261-281. (In persian).
- Ghavidel, H., Ali Aqdam, A., & Aghazadeh, R. (2011). The interactive effect of personality traits and self-regulated learning on the academic performance of students in different disciplines of Islamic Azad University and Payame Noor Mako, *Quarterly Journal of New Thoughts in Educational Sciences*, 5(2), 143-165. (In persian).
- Gunz, S., & Thorne, L. (2020). Thematic Symposium: The Impact of Technology on Ethics, Professionalism and Judgement in Accounting, *Journal of Business Ethics*, 167(2), 153-155.
- Hasas Yeganeh, Y., & Amouza Mahdirji, Sh. (2020). Factors affecting the professional (ethical) judgment of auditors and the pressures on them, *Empirical Studies of Financial Accounting*, Fall 2016, No. 67. (In persian).
- Haslam, N., Whelan, J., & Bastian, B. (2009). Big Five traits mediate associations between values and subjective well-being, *Personality and Individual Differences*, 46(1), 40-42.
- Jalali, R. (2006). *Investigating the personality traits of veterans 'spouses with the type of veterans' disabilities and comparing them with the spouses of ordinary people*, unpublished master's thesis. Islamic Azad University, Khorasgan Branch. (In persian).
- Juujärvi, S., Kallunki, E., & Luostari, H. (2020) Ethical Decision-Making of Social Welfare Workers in the Transition of Services: The Ethics of Care and Justice Perspectives, *Ethics and Social Welfare*, 14(1), 65-83.
- Khlif, H., & Achek, I. (2017). Gender in accounting research: a review, *Managerial Auditing Journal*, 32(6), 627-655.

- Mohseni, A.R., Ghasemi, M., & Karami, M. (2018). Investigating the Relationship between Personality Traits and Auditors' Ethical Intention, *Journal of Accounting Knowledge and Management Accounting*, 6(24), 177-190. (In persian).
- Mojtaba H., Rahnemaue Roodpashti, F., Niko Maram, H., & Bani Mahd, B. (2018). Auditor Gender and Functional Styles of Thinking: Testing the Theory of Mind Self-Governance, *Accounting and Management Auditing Knowledge*, Volume 7, Number 25, Spring 2016, Pages 1-10. (In persian).
- Nasiri S., & Bani Mahd, B. (2017). The Effect of Gender on the Acceptance of Accounting Standards Based on Principles, *Accounting Knowledge and Management Auditing*, 6(2)1, 49-60. (In persian).
- Nezami, A., Pourheidari, O., & Pakdaman, M. (2021). Investigating the effect of personality traits (conscience and agreement), emotions-thinking and risk-taking on the auditor's judgment regarding the mediating role of self-efficacy. *Financial Accounting Knowledge*, 7(1), 1-24. (In persian).
- Nikbakht, M.R., Rezaei, Z., & Manti, V. (2018). Internal Audit Quality Model Design, *Auditing Knowledge*, 17(69), 5-57. (In persian)
- Owens E.L., Wu, J.S., & Zimmerman J. (2017). Idiosyncratic shocks to firm underlying economics and abnormal accruals. *The Accounting Review*, 92(2), 183-219.
- Ruffle, B., & Sherman, A. (2020). Good-Looking Prices. Southern Europe Experimentalists Meeting for valuable comments. Department of economics Working paper series. Department of Economics, Kenneth Taylor Hall 426, 1280 Main Street West, Hamilton, Ontario, Canada.
- Saeedi Garaghani, M., & Naseri, A. (2018). Individual Differences and the Auditor's Professional Judgment, *Quarterly Journal of Financial Accounting and Auditing Research*, 9(36), 111-130. (In persian).
- Sánchez, I. M., Martínez-Ferrero, J., & García-Meca, E. (2017). Gender diversity, financial expertise and its effects on accounting quality. *Management Decision*, 347-382.
- Shahrabi, Sh. (2014). The Impact of Gender Factor on the Professional Judgment of Internal Auditors, *Auditing, Theory and Practice*, 1(2), 117(133). (In persian).
- Shtudiner, Z. & Klein, G. (2020). Gender, attractiveness, and judgment of impropriety: The case of accountants, *European Journal of Political Economy*, 64, 1-9.
- Zalata, A., Tauriang, V., & Tingbani, I. (2019). Audit committee financial expertise, gender, and earnings management, *International Review of Financial Analysis*, 55, 170-183.